

جین گودال؛ سالک راه و راوی آشتی و همزیستی با طبیعت

سپیده رحمن پور*

*پژوهشگر مستقل حوزه تغییرات اقلیمی

sepide.rahmanpour@gmail.com

نامه علوم پایه شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۳

چکیده

جین گودال، نخست‌شناس و انسان‌شناس انگلیسی، با بیش از ۶۰ سال مطالعه بر روی شامپانزه‌ها در تانزانیا، تصورات رایج علمی را دگرگون کرد. او ثابت کرد که این جانوران دارای رفتارهای اجتماعی پیچیده، احساسات و توانایی شکار گروهی هستند که با رفتارهای انسان مشابهت‌های بسیاری دارند. گودال فعالیت خود را به پژوهش محدود نکرد و به یک کنشگر تمام‌وقت محیط زیست تبدیل شد. او با تأسیس «مؤسسه جین گودال» و راه‌اندازی برنامه «ریشه‌ها و شاخه‌ها»، بر آموزش و توانمندسازی جوانان برای حل مسائل زیست‌محیطی تأکید داشت. از نگاه او، بحران‌های بزرگی مانند تغییر اقلیم، انقراض گونه‌ها، آلودگی و فقر مسائلی درهم‌تنیده هستند و ریشه در طمع و بهره‌کشی انسان از طبیعت دارند. راه حل او برای این بحران‌ها بر سه پایه استوار بود: آموزش به کودکان و جوانان برای یافتن راه‌حل‌های بومی؛ توانمندسازی جوامع محلی به عنوان بهترین محافظان طبیعت؛ و انتخاب‌های فردی که سنگ بنای تحولات جمعی بزرگتر هستند.

پیام نهایی گودال، حتی در مواجهه با چالش‌های بزرگ، امیدواری بود: او باور داشت که هر فرد با اقدامات خود، هرچند کوچک، می‌تواند در بهبود وضعیت سیاره زمین نقش داشته باشد. جین گودال در تصور بسیاری از افراد زنی بود که با شامپانزه‌ها زندگی می‌کرد. این تصور مبتنی بر بازتاب فعالیت‌های او در رسانه‌ها بود. تصویر دختر جوان انگلیسی در اوایل دهه ۶۰ که با یک دفترچه یادداشت و ذهنی کنج‌کاو به دل جنگل‌های تانزانیا رفت و دهه‌ها بعد به یکی از قدرتمندترین صداهای زمین تبدیل شد.

“... مهم‌تر از همه، باید درک کنیم که هر یک از ما با زندگی خود
تغییری ایجاد می‌کنیم. هر یک از ما هر روز بر دنیای اطراف خود
تأثیر می‌گذاریم. می‌توانیم انتخاب کنیم که از موهبت زندگی خود
برای تبدیل جهان به مکانی بهتر استفاده کنیم – یا اینکه خودمان را
به زحمت نیندازیم.”

جین گودال



نوین بود که او نه تنها برای مطالعه نخست‌شناسان بلکه برای مسیر علمی سایر زنان گشود.

نخستین کتاب پژوهشی او تحت عنوان *سایه انسان* به چهل و هشت زبان ترجمه شد. در ایران نیز عبدالحسین وهاب زاده که از قضا برنامه مدارس طبیعت او بسیار مورد توجه گودال بود این کتاب را به فارسی برگردانده است. البته او تا زمان درگذشتش در اکتبر ۲۰۲۵ آثار ارزشمندی دیگری مانند *چهل سال در گمبه، آفریقا در خون من، دلیلی برای امید، خویشاوندی وحشیانه* و را منتشر کرد. او ۳۲ کتاب نوشت که مخاطب ۱۵ مورد آنها کودکان‌اند.

والری جین موریس گودال^۱ (۱۳۱۳-۱۴۰۴)، نخست‌شناس و انسان‌شناس انگلیسی و برجسته‌ترین متخصص جهان در زمینه رفتارشناسی نخست‌شناسان که البته شخصیتی فراتر از دانشمند یا پژوهشگر داشت در نهم مهرماه ۱۴۰۴ درگذشت. او بیش از شصت سال از عمر خود را صرف مطالعه تعاملات اجتماعی و خانوادگی شامپانزه‌های وحشی در پارک ملی نهر گمبه^۲ در غرب استان کیگوما^۳ در تانزانیا نمود. او فعالیت خود را در میانه جنگل، زیر نظر دیرین‌شناس اسطوره‌ای، لوئیس لیکی^۴ آغاز کرد. زنی جوان، تنها و بدون هیچ حفاظتی جز اشتیاقش برای دانستن. این مسیری

1. Dame Jane Morris Goodall
2. Gombe River National Park

3. Kigoma Province
4. Louis Seymour Bazett Leakey

کردن روند تغییر اقلیم و از بین رفتن تنوع زیستی وجود دارد و این مهم در گرو اتحاد و اقدامات هوشمندانه است. ساختار یافته‌ترین نظرات و مواضع او درباره تغییر اقلیم در کنار سایر بحران‌های سیاره زمین در کتاب *امید: راهنمای نجات دهنده برای روزهای سخت* ذکر شده است.

جین گودال بر این باور بود که بشریت با چهار تهدید بزرگ و در هم تنیده مواجه است که رفع یکی بدون توجه به سایرین میسر نیست. *تغییر اقلیم و انقراض گونه‌ها، انواع آلودگی‌ها (آب و خاک و هوا)، فقر و سبک زندگی ناپایدار.*

در تحلیل او، این بحران‌ها ریشه در یکی از پارادوکس‌های عمیق بشر امروز دارد: نبوغ و فناوری انسان که قادر به خلق انرژی‌های پاک است، در تقابلی مستقیم با طمع و بهره‌کشی آسیب‌رسان او از محیط زیست قرار می‌گیرد. با این حال، پیام نهایی او این بود که ما هنوز فرصت داریم تا با اتحاد و اقدامات هوشمندانه، روند تغییر اقلیم و از بین رفتن تنوع زیستی را کند کنیم.

اما این امید ریشه‌دار، تنها در گرو شناخت مشکلات نماند. گودال برای تحقق آن، نقشه‌ای عملی ترسیم کرد که بر سه رکن اصلی استوار بود: *آموزش، توانمندسازی جوامع محلی، و انتخاب‌های فردی.* او معتقد بود آموزش به کودکان، تنها راه شکستن چرخه فقر و بی‌توجهی به محیط زیست است. از همین رو، برنامه ریشه‌ها و شاخه‌ها به جوانان نمی‌گوید «چه کنند»، بلکه به آنان می‌آموزد که «چگونه بیندیشند» و خود راه‌حل‌های محلی برای مشکلات زیست‌محیطی جامعه‌شان بیابند. از سوی دیگر، او ثابت کرد که حفاظت پایدار، بدون بهبود معیشت و مشارکت جوامع بومی که هم‌نشین جنگل‌ها و حیات‌وحش هستند، ناممکن است. پروژه‌های موسسه او در تانزانیا و سراسر آفریقا، گواه این مدعاست که وقتی به مردم محلی فرصت داده شود، خود تبدیل به بهترین محافظان طبیعت می‌شوند.

البته نگاه امیدوارانه جین گودال همواره با چالش‌هایی نیز روبرو بوده است. برخی منتقدان، تأکید او بر اقدامات فردی را در برابر ابعاد عظیم بحران‌هایی مانند تغییر اقلیم ناکافی می‌دانند و بر ضرورت تغییرات ساختاری و فشار بر دولت‌ها و شرکت‌های بزرگتر اصرار دارند. اما قدرت استدلال گودال دقیقاً در همین بود که این دو را در تقابل با هم نمی‌دید. از نگاه او، «وجدان بیدار تک‌تک انسان‌ها» همان نیرویی است که می‌تواند سیاستمداران و کسب‌وکارها را به تغییر وادارد. اقدام فردی، سنگ بنای یک تحول جمعی است.

ماحصل تلاش‌های او به چالش کشیدن دیدگاه‌های علمی رایج درباره شامپانزه‌ها بود. او نشان داد شامپانزه‌ها به صورت گروهی شکار می‌کنند و احساسات و ساختار اجتماعی پیچیده‌ای، که قبلاً تصور می‌شد صرفاً مختص انسان‌ها است، از خود بروز می‌دهند. به علاوه او نشان داد مرز چندانی میان رفتار انسان و سایر جانداران نیست و یادگیری از شرایط زیستن جانوران می‌تواند در ارائه رفتاری بهتر از ما موثر باشد.

جین گودال هرگز خود را به یک دانشمند در عرصه حفاظت محدود نکرد. یافته‌های او در گمبه او را به یک فعال تمام وقت با هدف صیانت از محیط زیست و آموزش برای حفظ سیاره زمین بدل کرد. او با اعتقاد عمیق به جمله *هر فردی/همیت دارد* در سال ۱۹۷۷ موسسه جین گودال را برای ترویج حفاظت از حیات وحش تأسیس کرد و پس از آن در سال ۱۹۹۱ برنامه جوانان ریشه‌ها و شاخه‌ها را راه اندازی کرد که به یک شبکه جهانی تبدیل شد. ریشه‌ها و شاخه‌ها با این هدف راه‌اندازی شد تا کودکان و نوجوانان و جوانان را به منظور فعالیت روی مسائل محیط زیستی و بشردوستانه گرد هم آورد. مشارکت کنندگان طی این برنامه‌ها ترغیب می‌شوند تا مشکلات جوامع خود را که بر محیط زیست و جانداران و جمعیت انسانی اثر می‌گذارد شناسایی و در جهت رفع آن بکوشند. همه موارد مذکور بیانگر امید جین گودال به توانایی‌های نسل‌های بعدی در جهت بهبود وضعیت محیط زیست است.

این نگاه امیدوارانه و عمل‌گرا، سنگ بنای موضع گودال در قبال یکی از بزرگ‌ترین تهدیدهای عصر ما، یعنی تغییر اقلیم، بود. او همواره به این مساله باور داشت که بحران اقلیمی نتیجه بی‌تفاوتی تاریخی و جمعی ما نسبت به طبیعت است. گودال با اشاره به جنگل‌زدایی، کشاورزی صنعتی و مصرف بی‌رویه منابع به عنوان عوامل اصلی گرمایش زمین، توضیح می‌داد که چگونه نابودی محیط‌زیست شامپانزه‌ها در گمبه، با سبک زندگی انسان‌ها در دوردست‌ترین نقاط جهان مستقیم‌ترین پیوند را دارد. با این حال، پیام او در این زمینه نیز درست مانند تمامی عمرش پیامی از جنس امید و توانمندسازی بود: «هر یک از ما روزانه بر این سیاره اثر می‌گذاریم و می‌توانیم با انتخاب‌هایمان، هرچند کوچک، تفاوتی مثبت ایجاد کنیم.» از نگاه او، کلید حل بحران اقلیم، نه تنها در اقدامات دولت‌ها، که در بیداری وجدان تک‌تک انسان‌ها و توانایی بیکران جوانان برای ساختن آینده‌ای سبزتر نهفته بود.

میرهن است که جین گودال همیشه در جهت رفع آثار و پیامدهای تغییر اقلیم کوشیده است. او معتقد بود که هنوز بازه زمانی برای کند